

۱۲۱۱۲۱
۱۳۹۴
۱۳۹۴

نگاهی به ضرورتها و زمینه های اتحاد اسلامی؛

«وحدت» با محوریت ایمان و عمل صالح

قدس ۲/ تیر ۸۶

غلامرضا گلی زواره

اشاره: آن هنگام که بعثت رسول اکرم(ص) همچون آذرخشی، کویر ظلمانی جامعه بشری را پرتو افشانی نمود و

سرزمین حجاز را

مرکز تابش انوار تابناک وحی قرار داد، زنجیرهای اسارت که افکار مردم را در انجماد و تحجر قرار داده بود، یکی پس از دیگری از هم گسست و به برکت نور حق و چشمه همیشه جوشان توحید، عداوت و دشمنی رنگ باخت؛ دلها به هم نزدیک شد؛ رحمت و برکت بر انسانها بارید و سرانجام این انقلاب معنوی و تحول ملکوتی، آرامش، امنیت، الفت و حسن تفاهم را با خود به ارمغان آورد.

اساساً تعالیم اسلام به گونه ای است که اتحاد و همبستگی مسلمانان را صرف نظر از تنوع قومی، نژادی، زبانی و فرقه ای ترویج می نماید. خدایی که مؤمنان می پرستند یکی است؛ شعارشان لاله الا... است و همه به رسالت محمدی ایمان دارند. تمامی مسلمانان قرآن را کتاب مقدس آسمانی خویش می دانند و آن را برای تقرب به حق و بهره مند شدن از معنویت آیاتش تلاوت می کنند. قانون اساسی همه مسلمانان در این کتاب مندرج است؛ همه به سوی قبله ای واحد نماز می خوانند؛ بانگ اذان همه یکی است، زمان معین آنان برای روزه داری و عبادت، ماه رمضان است؛ آنان روز اول شوال و نیز روز اضحی را عید خویش می شمارند و در ماه ذیحجه با هم در حرم امن الهی اجتماع می کنند تا مراسم حج ابراهیمی را انجام دهند. به ساحت مقدس خاندان نبوی ابراز ارادت می نمایند و احترام ویژه ای برای اهل بیت پیامبر(ص) قائلند. این موارد به خوبی می تواند دلها را به یکدیگر پیوند دهد و روح برادری اسلامی که عظمت مسلمانان را به نمایش می گذارد، احیا نماید. (۱)

قرآن کریم و عترت بر وحدت بین مردم تأکید دارند و علمای شیعه و سنی در این راستا تلاشهای فراوانی نموده اند تا کج فهمیها را از بین ببرند، جلوی گمانهای نگران کننده و منفی را بگیرند و اجازه ندهند توهمات بیجا و برخی جهالتها چون آفتی مهلک، جامعه اسلامی را به بلای تفرقه دچار سازد و ابهت آنان را از بین ببرد. تأکید بر نقاط مشترک و نزدیک شدن به سرچشمه های اعتقادی، نمونه هایی از این گونه کوششها بوده است.

اعتصام به رشته الهی

قرآن کریم چنگ زدن به ریسمان الهی و الفت میان دلها را نعمتی از جانب خداوند دانسته است: «و همگی به ریسمان الهی چنگ زنید و متفرق نشوید و به یادآورید نعمتهایی را که خدا برای شما فرو فرستاد که چگونه دشمن یکدیگر بودید و خداوند بین قلبهای شما الفت برقرار کرد و به نعمت او همه با هم برادر شدید و به یادآورید که در لبه پرتگاه آتش بودید و شما را از آن رهانید. خداوند این گونه نشانه هایش را به شما می نمایاند [و بیان می کند]، باشد که هدایت شوید.» (۲)

قرآن کریم در این آیات از دو جامعه متضاد سخن به میان آورده است؛ یکی تفرقه توأم با خصومت که در عصر جاهلیت ظهور داشته است و دیگری وحدت و برادری که با پذیرش اسلام در میان همان مردم پیدا شد. قرآن کریم برای اینکه آثار لطف الهی و نقش تعیین کننده آن را در پیدایش چنین تحول روحی و درونی، گوشزد کند، آنها را به یادآوری و مقایسه بین این دو وضع دعوت می کند.

خداوند متعال پیامبران را برانگیخت تا با تعالیم توحیدی خود و دعوت مردم به برپایی دین الهی، به وحدت و تفاهم روی آورند و از پراکندگی و تفرقه در دین بپرهیزند که این دستوری الهی است. قرآن کریم می فرماید: «آیینی را که خداوند برای شما [مسلمانان] مقرر فرمود، همان است که به نوح سفارش کرد و همان که به تو [ای پیامبر وحی شد. و آنچه به ابراهیم، موسی و عیسی وصیت نمود که دین خدا را همه با هم برپا دارید و در آن اختلاف و پراکندگی نداشته باشید.» (۳)

حضرت علی(ع) در آخرین وصیتش خطاب به فرزندانش می فرماید: «وصیت می کنم تو را ای حسن و تمام فرزندان و خویشانم را و هر که پیام من به او می رسد، به تقوای خدا که پروردگار شماست و اینکه نمیرید، مگر درحالی که مسلمان باشید. و همگی به ریسمان الهی چنگ زنید و متفرق نشوید.»

امام خمینی(ره) پیام آور راستین مکتب قرآن در عصر کنونی نیز در این باره فرموده اند: «اسلام دستور داده و فرموده است: «واعتصموا بحبل... جمعاً ولا تفرقوا»، همه با هم، تمام اقشار با هم، اعتصام به حبل... با توجه به خدای بزرگ همه باید پیش برویم. تخلف از این دستور الهی جرم است؛ گناه است. دستور اسلام است که همه باید معتصم به حبل... باشیم.» (۴)

و در جای دیگر توصیه نموده اند: «ملتها و دولتها اگر بخواهند به پیروزی و هدفهای اسلامی به تمام ابعادش که

سعادت بشرست برسند، باید اعتصام به حبل... کنند؛ از اختلافها و تفرقه بپرهیزند و فرمان حق تعالی را اطاعت نمایند.» (۵)

حضرت امام، اتحاد مسلمانان را برکت می داند و می فرماید: «این یک برکت بزرگی است که ما را و همه برادران اهل تسنن و تشیع را یک جا جمع کرده و همه مان برای اسلام می خواهیم کوشش کنیم.» (۶)

رسول اکرم (ص) فرموده اند: «هرکس از اجتماع مسلمانان دوری کند، ریمان اسلام را از گردن خود باز نموده است.» گفته شد: ای فرستاده خداوند! مراد از جماعت مسلمانان چیست؟ فرمودند: «حق گرایان؛ هرچند در اقلیت باشند.» (۷)

درجایی دیگر همچنین از آن حضرت روایت شده است که فرمودند: «سه چیز است که هرگز دل مسلمان در مورد آنها خیانت نمی کند: خالص کردن عمل برای خدا و خیرخواهی برای پیشوایان مسلمان و همراهی و ملازمت با جماعت مسلمین.» (۸)

حضرت علی (ع) فرمودند: «با سواد اعظم [بزرگ ترین اجتماعات] باشید که دست خدا با این جمعیت است [البته مراد جمعیت حق است] و از پراکندگی بپرهیزید؛ زیرا کسی که از جمعیت مسلمانان کنار می رود بهره شیطان است؛ آن گونه که گوسفند تنها [و جدای از گله اش] گرفتار گرگ می شود.» (۹)

سیره و روش حضرت علی (ع) نیز در این عرصه برای پیروان آن حضرت مهمترین فراخوان برای اتحاد و تفاهم است. آن حضرت گرچه منصوب از جانب خداوند و جانشین بلافصل رسول اکرم (ص) و دارای ولایت مطلقه الهی بود و از این روی برای دست یازیدن به حق مسلم خویش از هیچ کوششی فروگذار نکرد و از همه قدرت و موقعیت و امکانات خود بهره برد تا اصل امامت در مدار اصلی اش قرار گیرد و امت واحده پیامبر از سیر مذکور دچار انحراف نشوند، ولی در برابر کسانی که حق ایشان را نادیده انگاشتند، دست به قبضه شمشیر نبرد و با وجود آن همه بی مهری سکوت اختیار کرد. با آنکه این وضع برایش بسیار تلخ و شکننده بود؛ چنانکه در خطبه ششقیه به این موضوع اشاره دارند. صبر تلخ و سکوت طاق سوز امام علی (ع) به دلیل مصلحتی برتر بود و آن نگهداری میراث رسول خدا (ص) و حفظ اتحاد مسلمانان جلوگیری از تفرقه بین امت اسلامی بود. (۱۰)

زمینه‌های اتحاد اسلامی

الف) اخوت ایمانی و اسلامی

در عصر بعثت، اسلام از مردمی آن چنان متفرق و درحال اختلاف و ستیز، جبهه ای واحد و متشکل در برابر شرک، کفر و نفاق پدید آورد و همین اتحاد و انسجام زیر پرچم توحید و رهبری رسول اکرم(ص) عامل مهم پیروزی و غلبه آنان بر تمامی دشمنان سرسخت و نیرومند اسلام گردید. در موارد زیادی اخوت ایمانی به عنوان دلیلی براتحاد قلمداد شده و براساس آن به وحدت و همکاری و یاری رساندن به مؤمنان سفارش شده است.

﴿تقرآن کریم می فرماید: «مؤمنان با هم برادرند؛ پس بین برادران خود صلح برقرار سازید(11)﴾.

﴿رسول اکرم(ص) پس از مهاجرت به مدینه و پذیرش رهبری مردم، منشوری اساسی -که به صحیفه یا قانون اساسی مدینه موسوم است- را براساس تعالیم قرآن کریم تدوین فرمود و با پیمان و میثاقی، قبایل مختلف آن نواحی را به هم پیوند داد و امت واحدی تشکیل شد که محور آن به جای ملیت و نژاد، ایمان به خدا و آخرت و عمل صالح بود(12).

﴿امام خمینی(ره) چنین بیان فرموده است: «این اسلام بود که همه را با هم مجتمع کرد و این اسلام بود که شما را پیروز کرد و این اسلام است که سعادت همه انسانها را تأمین می کند.» (13)

در جای دیگر آن روح قدسی گفته اند: «این از عنایات اسلام است که همه برادران اهل سنت و شیعه با هم هستند و اختلافی هم با یکدیگر ندارند... و من امیدوارم که این رویه مستدام باشد.» (14)

امام خمینی(ره) (همچنین در مصاحبه با خبرنگار لبنانی «السفیر» خطاب به مسلمانان عرب زبان، خاطر نشان ساخته اند: «بباید اختلافات را کنار بگذارید و دست برادری به یکدیگر بدهید و همگام و همپیمان با همه برادران مسلمان غیرعرب، تنها اسلام را تکیه گاه خود قرار دهید. با ذخیره الهی و معنوی که اسلام است، می توانید قدرتی باشید که هرگز ابرقدرتها هوس تسلط بر شما را نکنند.» (15)

ب) تقوا و فضیلت اخلاقی

هنگامی که افراد جامعه به کلمه توحید روی آورند و دستورهای الهی را به کار ببندند، تقوا و فضیلت‌های عالی در بین آنها رواج می یابد. با گسترش مکارم اخلاقی و خصال نیک در جامعه و احیای سنتهای متکی بر ایمان و تقوا، برتری‌های قومی و نژادی و امتیازهای کاذب از جامعه رخت بر می بندد.

رسول اکرم (ص) در روایتی، برتریهای نژادی را نفی فرموده و مردم را به خدای واحد، پدر واحد (حضرت آدم) و برتری ناشی از تقوا توجه می دهند: «ای مردم، به درستی که پروردگار شما یکی است و پدر شما یکی است. همه از آدم هستید و آدم از خاک است. گرمی ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست، عرب را بر عجم فضیلت نیست، مگر به تقوا». (۱۶)

این عبارت نورانی را پیامبر اکرم (ص) در حجه الوداع فرموده اند. امام خمینی (ره) نیز می فرمایند: «اگر با بی نظری و حسن نظر و تقوا در همه جا عمل بشود، اختلافهایی پیش نمی آید، همه این اختلافها برای این است که تقوای اجتماعی ندارند، تقوای شخصی و اخلاقی ندارند». (۱۷)

ج) حضور در اجتماعات عبادی سیاسی

بر اساس تعالیم دینی، اجرای فرایض دینی هرچه با اخلاص، در خلوت و دور از چشم مردم صورت گیرد، ارزش افزونتری دارد و در ارتقای معنوی انسان مؤمن تأثیر مهمتری دارد. با وجود این، اسلام دستور داده نماز به جماعت برگزار شود و ثواب این نماز بیش از آنچه تصور می رود، از نماز فرادا بالاتر است، زیرا بر اثر حضور مسلمانان، آنان از وضع یکدیگر با خبر می شوند؛ دلهاشان به یکدیگر نزدیک می گردد و... نماز جماعت یک اجتماع عبادی روزانه است و نماز جمعه، اجتماعی عمومی تر و هفتگی است که امام جمعه باید به جای دو رکعت، خطبه بخواند و در خطبه ها علاوه بر مواظت، مسائل جهان اسلام را به آگاهی عموم نمازگزاران برساند و مصالح عمومی را مطرح کند و نیرنگهای استکبار و توطئه های آنان را گوشزد نماید. نماز عیدین (عید فطر و عید قربان) اجتماعی دیگر است که سالانه برگزار می شود. از همه اینها مهمتر، عمومی تر و طولانی تر و متنوع تر، برنامه حج است که بر هر انسان مسلمانی واجب است، در صورت توانایی بدنی و مالی حداقل در طول عمر خود یک بار در این اجتماع مهم حضور یابد. در این عبادت عظیم، زمان واحد، مکان واحد، و حتی لباس یکسان در نظر گرفته شده است. هدف آن است که شرکت کنندگان علاوه بر تمرین تزکیه درونی و آمادگی بیشتر برای تقوا و روی آوردن به فضیلت، در میعادگاه اهل توحید یعنی مسجد الحرام و اطراف خانه کعبه، رنگ توحید و وحدت و یگانگی اجتماعی به خود گیرند.

حضرت علی (ع) در کلمات خود ضمن بیان فلسفه برخی از مقررات اسلامی، درباره حج فرموده اند: «حج،

تقویت دین است [یا فلسفه حج نزدیک کردن پیروان دین است].» (۱۸)

به هر حال، منظور یکی است. علامه شهید مطهری در این باره نوشته است: «اگر مفهوم کلام این باشد که فلسفه

حج تقویت دین است، منظور این است که با اجتماع حج، روابط مسلمانان محکمتر و ایمان مسلمانان نیرومندتر می گردد و بدین وسیله، اسلام نیرومندتر می شود. اگر مفهوم کلام این باشد که فلسفه حج نزدیک کردن دین است، باز واضح است که منظور نزدیک شدن دل‌های مسلمانان است و نتیجه تقویت و نیرومندی اسلام است.» (۱۹)

حضرت علی(ع) درباره خانه خدا فرموده اند: «خداوند کعبه را پرچم اسلام قرار داده است.» (۲۰)
به اعتقاد استاد شهید مطهری، همان طور که پرچمها رمز اتحاد و یگانگی جمعیتها و نشانه همبستگی آنهاست و برپا بودن آنها علامت حیات آنهاست، کعبه برای اسلام چنین است (21).

مقام معظم رهبری نیز در این باره این گونه توصیه نموده اند: «حج می تواند روح توحید را در دلها زنده کند، تکه پاره های امت بزرگ اسلامی را به هم وصل کند، عظمت مسلمانان را به آنان برگرداند و آنان را از احساس حقارت و ذلتی که برایشان تحمیل کرده اند، نجات دهد.» (۲۲)

د) مسجد

مساجد علاوه بر آنکه از صدر اسلام کانونی برای عبادت، ارتباط با خداوند و تلاوت قرآن بوده اند، مکانهایی برای به هم پیوستن نیروهای مسلمانان برای حرکت‌های دینی و تبلیغی و سرکوبی دشمنان و از بین بردن آفت‌های توحید به شمار می رفته اند. امام خمینی(ره) تأکید نمودند: «... چون ملت مبارز، رمز پیروزی را یافته است و با هوشیاری دریافته که بسیج عمومی از سنگرهای الهی مساجد و منابر و محافل دینی گردید، لازم است این سنگرهای اسلامی را حفظ کنیم. باید این اجتماعات در مساجد و محافل مذهبی هرچه بیشتر و باشکوه تر برپا شود» (23).

ه) امر به معروف و نهی از منکر

همان گونه که اشاره شد، خداوند در قرآن کریم به مسلمانان توصیه می فرماید: به حیل... چنگ زید و متفرق نشوید و به مؤمنان هشدار می دهد: «مانند آنان که بعد از آمدن نشانه های روشن متفرق شده و اختلاف کردند نباشید. برای آنها عذاب بزرگی است.» (۲۴)

خداوند در بیان اهمیت امر به معروف و نهی از منکر نیز می فرماید: «باید از میان شما گروهی باشند که به خیر دعوت کنند و امر به معروف و نهی از منکر نمایند.» (۲۵)

قرآن کریم می خواهد بفهماند که همواره باید از طریق دعوت به صلح و خوبی و امر به معروف و بازداشتن از زشتیها، وحدت جامعه پایدار بماند. اگر این استوانه اسلامی یعنی اصل فراخوانی به خوبی و ارشاد و امر به معروف

و نهی از منکر، فراموش شود و جامعه به گناه و خلاف روی آورد و فضایل و مکارم از مردمانش رخت بربندد، اتحاد میان آنها زایل می گردد. نکته مهم آنکه، نباید دعوت به صلاح و خیر بر تذکرات ساده اخلاقی و عبادی منحصر شود و هدفهای عالی تر و مهمتر فراموش گردد. نخستین و اساسی ترین اصل برای آمران به معروف و ناهیان از منکر این است که برای وحدت، اعتصام و انسجام جامعه بکوشند. وقتی جامعه از اتحاد و همبستگی برخوردار گشت، در پرتو آن بهتر به سوی فضیلتها و خوبیها گام بر می دارد.

نکته دیگر آن که وقتی عنصر امر به معروف و نهی از منکر در میان نباشد، عوامل گوناگونی که دشمن بقای وحدت اجتماعی اند، همچون موریانه از درون، ریشه های اجتماع را می خورند و متلاشی می سازند و از این جهت، حفظ وحدت اجتماعی بدون نظارت عمومی صالحان امکان پذیر نخواهد بود.

پی‌نوشت :

- | | | |
|------------|---|---------------------------------------|
| ۱ | یادداشتهای شهید مطهری، ج اول، | ص ۱۲۹ |
| صص ۲۰۲-۲۱۷ | | ۱۴ همان، ص ۱۰۷ |
| ۲ | آل عمران آیه ۱۰۳ | ۱۵ همان، ص ۱۴۶ |
| ۳ | شوری آیه ۱۳ | ۱۶ تحف العقول، ص ۳۴ |
| ۴ | صحیفه نور، ج ۶، ص ۸۹ | ۱۷ صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۹۷ |
| ۵ | در جستجوی راه از کلام امام، دفتر ۱۵، | ۱۸ نهج البلاغه، کلمات قصار، حکمت ۲۴۴ |
| ص ۱۵۲ | | ۱۹ یادداشتهای استاد مطهری، ج ۲، ص ۲۱۵ |
| ۶ | همان، ص ۱۲۱ | ۲۰ نهج البلاغه، خطبه نخست |
| ۷ | امالی شیخ صدوق، ص ۲۹۷ | ۲۱ یادداشتهای استاد مطهری، ج ۲، ص ۲۱۶ |
| ۸ | کافی، ج اول، ص ۴۰۳ | ۲۲ روزنامه کیهان، ش ۱۹۹۳۹ |
| ۹ | نهج البلاغه، خطبه ۱۲۷، فراز دوم | ۲۳ روزنامه اطلاعات، شماره ۲۲۵۷۸، |
| ۱۰ | نهج البلاغه، نامه ۶۲ | 19 شهریور ۱۳۸۱، ص ۶ |
| ۱۱ | یونس آیه ۱۹ | ۲۴ آل عمران، آیه ۱۰۵ |
| ۱۲ | سیره ابن هشام، ج اول، ص ۵۰۱ | ۲۵ آل عمران، آیه ۱۰۴ |
| ۱۳ | در جستجوی راه امام از کلام امام، دفتر ۱۵، | |
| | به کوشش: مجمع تقریب مذاهب اسلامی | |